

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۵

تاریخ تصویب: ۹۸/۰۲/۱۲

صفحات: ۱۳۱ - ۱۵۷

رابطه توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی (مطالعه موردی:

جمهوری اسلامی ایران)

داریوش هوشمند ننه کران*

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان.

محمدحسین اسماعیلی سنگری

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان.

رسول حسینیان زاویه

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان.

چکیده

اقتصاد سیاسی به تعامل اقتصاد و سیاست می‌پردازد که در آن، در نهایت دستور کار سیاسی برای اقتصاد تهیه می‌شود. از این منظر در دوره معاصر، تلاش‌های گوناگونی از سوی ایران جهت توسعه پایدار صورت گرفته و برنامه‌های توسعه متعددی هم نگاشته شده اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود، نه تنها نشانی از توسعه ندارد بلکه بر مشکلات کشور افزوده شده است. در تبیین چرایی این موضوع، گرچه می‌توان عوامل متعددی را دخیل دانست اما از آنجا که جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهای درحال توسعه قلمداد می‌شود، نمی‌توان از نقش ویژه دولت در توسعه یا عدم توسعه غافل شد. لذا پژوهش حاضر که باهدف آسیب‌شناسی عدم توسعه ایران انجام شده، سؤال اصلی خود را بدین گونه مطرح می‌نماید که چگونه می‌توان ضعف ایران در رسیدن به توسعه پایدار را ارزیابی کرد؟ در پاسخ به سؤال فوق فرضیه پژوهش بیان می‌دارد که ضعف شاخص‌های حکمرانی خوب و متناسب با آن، کیفیت پایین حکمرانی در ایران از جمله عوامل مهمی است که می‌تواند در این ناکامی دخیل باشد. روش پژوهشی که در این تحقیق به کار گرفته شده، توصیفی-تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، توسعه، ج.ا.ایران، کیفیت حکمرانی، شاخص‌های حکمرانی خوب

مقدمه

در لغت‌نامه دهخدا از توسعه به معنای «فراخی کردن و وسعت» یاد شده است. این اصطلاح ابتدا در زمینه اقتصادی و مادی کاربرد داشته اما در زمان حال به عنوان مقوله‌ای چندوجهی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... به کار می‌رود (جعفری-قنبری، ۱۳۹۶: ۴۸). در واقع، امروزه «با کاهش تمرکز بر شاخص‌های اقتصادی صرف»، به «ابعاد کیفی زندگی اجتماعی» توجه بیشتری مبذول شده و آن در اولویت قرار گرفته است (شفیعی فر، ۱۳۹۴: ۱۰۹). توسعه فقط بهبود میزان تولید و درآمد نیست بلکه «دگرگونی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و ایستار و وجهه نظرهای عموم مردم» را شامل می‌شود. ابعاد کیفی‌ای که توسعه به همراه دارد، آن را از رشد صرف اقتصاد فراتر می‌برد. بر این اساس، توسعه مرحله‌ای عمیق‌تر از رشد بوده و هدف اساسی آن، گذاشتن تأثیر مستقیم بر حوزه‌های اقتصاد سیاسی است (جعفری-قنبری، ۱۳۹۶: ۴۹). از منظر اقتصاد سیاسی، در برنامه‌ریزی اقتصادی ممکن است مشکلات عدیده‌ای نمایان شود که ناشی از دخیل بودن عوامل متعدد و گوناگون در مسیر آن است. این اختلال می‌تواند هم بر روندهای اقتصادی و هم بر تصمیمات دولت به‌خصوص در کشورهای جهان سوم تأثیرگذار باشد؛ به این دلیل که در کشورهای جهان سوم، دولت مؤثرترین نهاد در ساختارهای اقتصادی و سیاسی به حساب می‌آید.

اگر ایران را از جمله کشورهای در حال توسعه تلقی نماییم، باید به نقش ویژه دولت در عملکرد اقتصادی کشور و نحوه تأثیر آن در روند توسعه توجه بیشتری نمود (مصلی‌نژاد (الف)، ۱۳۹۵: ۵۹-۲۹). با دقت نظر در پنج برنامه عمرانی پیش از انقلاب می‌توان چنین دریافت که در تمام این برنامه‌ها، حکومت کانون اصلی سیاست و تصمیم‌گیری‌ها بوده و روزه‌روز به نقش و اهمیت دولت افزوده شده به طوری که در این دوره، دولت به عنوان متغیر مستقل، توسعه را به مثابه متغیر وابسته هدایت کرده است (مصلی‌نژاد (الف)، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۲۹). این روند پس از پیروزی انقلاب اسلامی کم و بیش تداوم یافته است؛ به طوری که مسئولان نظام برای چاره‌اندیشی و گسست این فرآیند، در اوایل دهه ۱۳۸۰ سند چشم‌اندازی را طراحی نمودند تا کشور را در مسیر توسعه قرار دهد (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۴۰-۳۹). با وجود سپری شدن بیش از یک دهه از اجرای سند چشم‌انداز که رویکرد اقتصاد مقاومتی را نیز متعاقباً به همراه داشته است، جامعه ایران همچنان با مشکلات عدیده اقتصاد سیاسی روبه‌رو بوده و چشم‌انداز روشنی را در درازمدت نشان نمی‌دهد؛ بنابراین چنین به نظر می‌رسد که در مسیر حرکت به سوی توسعه،

موانع پیدا و پنهانی وجود دارد که مانع از اجرای برنامه‌های توسعه در ایران می‌شود. به طور کلی موانع توسعه به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که از جمله آن می‌توان به نرم و سخت اشاره کرد. اصولاً موانع نرم، موانع ناپیدایی هستند که در پشت موانع سخت در جامعه و نظام سیاسی وجود دارند و امکان توسعه را مختل می‌کنند. حتی اگر موانع سخت توسعه هم برطرف شود تا زمانی که موانع نرم رفع نگردد امکان توسعه وجود نخواهد داشت (رنانی، ۱۳۹۲: ۹-۱۰). با توجه به ارتباط وثیقی که بین کیفیت حکمرانی و توسعه وجود دارد، در این پژوهش کیفیت پایین حکمرانی به عنوان مانع نرمی در نظر گرفته شده که در سطح ملی، جمهوری اسلامی ایران را علیرغم برنامه‌ریزی‌های مختلف میان مدت و بلند مدت از رسیدن به توسعه ناکام گذاشته است. برای تحلیل این موضوع، ما در ادامه تلاش خواهیم کرد پس از ارائه چارچوب نظری، به عنوانی چون حکمرانی خوب و نسبت آن با توسعه، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و منابع طبیعی پرداخته و سپس شاخص‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران را به تفصیل مورد سنجش قرار دهیم.

۱. چارچوب نظری

اقتصاد سیاسی مفهومی است که تعامل فرآیندهای اقتصادی و سیاسی را در جامعه مورد کنکاش قرار می‌دهد. برای درک این تعامل، لازم است به مؤلفه‌های مختلفی از قبیل قدرت و اقتدار گروه‌ها، تأثیر هنجارها و عقیده‌ها و نیز نقش مؤثر سازمان‌های رسمی و غیررسمی در تخصیص منابع کمیاب توجه نمود (Serrat, ۲۰۱۱: ۳). این مسئله نشان می‌دهد که اقتصاد سیاسی مفهومی بحث‌برانگیز و پیچیده و در عین حال، با اهمیت است (مصلی‌زاد (الف)، ۱۳۹۵: ۶). چنین ویژگی سردرگمی، از اتحاد و ارتباط تنگاتنگ اقتصاد با سیاست نشأت می‌گیرد و آن، در واقع هدف نهایی اقتصاد سیاسی است. هر چند نگرش‌ها در این‌باره متفاوت است اما تأثیر متقابل اقتصاد و سیاست و همچنین ارتباط آن دو با حوزه اجتماعی، موضوعی است که اقتصاد سیاسی به آن می‌پردازد (مسکو- لوبین، ۱۳۸۶: ۷۶) و این همان نکته‌ای است که اقتصاد سیاسی را از اقتصاد استاندارد متمایز می‌کند.

برخلاف اقتصاد استاندارد که فقط مباحث اقتصاد صرف را بررسی می‌نماید، در اقتصاد سیاسی علاوه بر حوزه اقتصاد، به مباحثی چون طبقات اجتماعی، هم‌بستگی نیروها و ساختار

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

دولت‌ها توجه ویژه‌ای می‌شود (پورا احمدی - کریمی، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۴). در این باره سیمون لی نقش مناسب دولت در اقتصاد را کانونی‌ترین مسئله رشته اقتصاد سیاسی قلمداد می‌کند (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۱). البته موضوع زمانی حائز اهمیت می‌شود که ما اقتصاد سیاسی را که از شاخه‌های علوم اجتماعی است، با انتخاب عمومی در ارتباط بدانیم. منظور از انتخاب عمومی، انتخاب دولت به عنوان نماینده مردم است که در تقسیم و توزیع منابع کمیاب جامعه، اختیار کامل دارد (مصلی نژاد (ب)، ۱۳۹۵: ۱۰۱). از این جهت، می‌توان اقتصاد سیاسی را به سطحی و کلان تقسیم کرد. در نگرش سطحی، عمده توجه ما به چرخه ارتباط در امر اقتصاد صرف می‌گردد اما در نگرش کلان، به مطالعه کنترل و بقا در زندگی اجتماعی پرداخته می‌شود که در آن، فرآیندهای کنترل به سازوکارهای سیاسی و فرآیندهای بقا به سازوکارهای اقتصادی مربوط است.

اقتصاد سیاسی عمده‌ی توجه خود را بر الزامات غیراقتصادی فعالیت‌های اقتصادی معطوف کرده و بر طیف وسیعی از مسائل اجتماعی و سیاسی (اجتماع و گروه) نظر داشته و مفهوم منازعه را به عنوان جوهر اصلی در جامعه مطرح می‌نماید (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۳). از این منظر اقتصاد سیاسی از یک طرف به دلیل استفاده از قدرت یا اقتدار در جامعه، علمی سیاسی است و از طرف دیگر به دلیل این‌که به مسئله‌ی تقسیم و توزیع منابع کمیاب نیز توجه دارد، علمی اقتصادی محسوب می‌شود. پس به طور خلاصه، اقتصاد سیاسی برای امر اقتصادی دستور کار سیاسی تهیه و پیشنهاد می‌کند؛ به عبارت دیگر، اقتصاد سیاسی بیشتر به مسائل سیاسی مرتبط است تا به مسائل اقتصادی (مصلی نژاد (ب)، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

در ارتباط دادن اقتصاد سیاسی به مبحث توسعه، عوامل زیادی دخیل هستند اما رشد اقتصادی در این میان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که انباشت سرمایه، پذیرش فناوری و مهمتر از همه، انتخاب سیاست‌ها از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی به حساب می‌آیند، نوع سیاست‌های انتخاب‌شده، شکل دولت‌ها و ساختارهای نهادی جامعه بر انتخاب رویه‌های اقتصادی توسط دولت و مردم بسیار تأثیرگذار است (Adam & Derson, ۲۰۰۹: ۲-۳). اگر کار ویژه‌ی اقتصاد را تولید و کار ویژه‌ی سیاست را توزیع بدانیم، آنچه در محور مباحث اقتصاد سیاسی توسعه قرار می‌گیرد تعامل تولید و توزیع است که حاصل این تعامل، تغییر در ساختارها را ضروری می‌نماید (مصلی نژاد (ب)، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۱۰). از جمله مباحث ساختاری و نهادی مؤثری که در مسیر توسعه هستند، می‌توان به مواردی چون دموکراسی، ثبات قوه مجریه،

رابطه توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی ۵

نحوه نظارت بر دولت، فساد، فرهنگ و مذهب اشاره نمود. از عامل زمان نیز نباید در اقتصاد سیاسی توسعه غافل شد (زمانی، ۱۳۹۶: ۱۱).

۲. حکمرانی خوب

حکمرانی به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن برخی تصمیمات اجرا و برخی دیگر کنار گذاشته می‌شوند. این مفهوم که «به پیشینگی تمدن بشری» قدمت دارد، می‌تواند در چندین زمینه مورد استفاده قرار گیرد اما دولت مهمترین بازیگر حکمران محسوب می‌شود (کمالی، ۱۳۸۸: ۲۱). تعاریف متعددی در مورد اصطلاح حکمرانی وجود دارد اما این تنوع تعاریف حکمرانی نباید ما را از دلالت معنایی آن غافل کند؛ چرا که حکمرانی در ذات خود به همکاری و تعامل میان نظام سیاسی (دولت) و جامعه مدنی (شهروندان) اطلاق می‌شود (محسنی زنوزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۸). البته، حکمرانی در طول تاریخ به صورت ایستا مطرح نبوده و مانند بسیاری از مسائل دیگر، از «اندیشه حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب» که برمدار توسعه می‌چرخد، تبعیت نموده است (جاسی - نفری، ۱۳۸۸: ۸۶). اصولاً تا قبل از دهه ۱۹۸۰ مدیریت دولتی سنتی که رویکردی از بالا به پایین داشت، بر حوزه مدیریت و حکمرانی حاکم بود؛ اما با توجه به نقاط ضعف و ابعاد منفی‌ای که در آن ظاهر گشت، بشر را برای رفاه مناسب و عادلانه برای شهروندان به جستجوی پارادایم‌های دیگری واداشت که از جدیدترین آن، حکمرانی خوب است. اصطلاح حکمرانی خوب را اولین بار بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ مطرح نمود (زمانی: ۱۳۹۵). این بانک پس از آنکه برخی کشورها در اجرای سیاست‌های تعدیل ناموفق عمل کردند، به نتیجه‌ای دست یافت که از عدم امکان اجرای این سیاست‌ها در آن کشورها به دلیل نبود شرایط لازم (که دولت‌ها باید داشته باشند) حکایت داشت. همین مسئله اولین گام در پیدایش و شکل‌گیری اندیشه «حکمرانی خوب» محسوب می‌شود (محسنی زنوزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۱-۹۰). بر این اساس، حکمرانی خوب به‌نوعی با سیاست‌های تعدیل در ارتباط است؛ چراکه باربر^۱، رئیس پیشین بانک جهانی، «ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو» را از شاخصه‌های حکمرانی خوب قلمداد می‌کند (Tripathi, ۲۰۱۷: ۱۶۹۶).

۱. Barber Benjamin Conable

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

در بعضی مواقع از واژه Good governance به معنی دولت خوب تعبیر می‌کنند؛ با این حال باید توجه داشت که دولت خوب یکی از شرایط لازم حکمرانی خوب است اما به تنهایی نمی‌تواند شرط کافی باشد. در کاربرد جدیدی که از حکمرانی خوب صورت گرفته، علاوه بر نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی را نیز شامل شده است (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۴-۵). بانک جهانی به عنوان مبتکر حکمرانی خوب، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت و کنترل فساد را شش ویژگی برجسته حکمرانی خوب عنوان می‌کند (دباغ- نفری، ۱۳۸۸: ۵). این بانک براساس شاخص‌های فوق، وضعیت حکمرانی خوب را در دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۶ هر دو سال یک‌بار و بعد از سال ۲۰۰۲ به صورت سالانه در کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار می‌دهد (رزمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵). با توجه به برآورد بانک جهانی، در مقابل حکمرانی خوب، حکمرانی بد قرار دارد که با ویژگی‌هایی چون فقدان حقوق بشر، شخصی نمودن قدرت، دولت‌های غیر پاسخگو و فساد نهادینه‌شده، قابل تشخیص است (دباغ- نفری، ۱۳۸۸: ۵). با اتکا به ویژگی‌های فوق، می‌توان گفت که حکمرانی خوب به روش‌های مختلف، حقوق بشر را ارتقاء می‌دهد. با حکمرانی خوب، مشارکت عمومی در دولت، مشارکت در قانونگذاری و سیاست‌گذاری و پاسخگویی مقامات منتخب و منصوب، تسهیل می‌شود. علاوه بر آن، حکمرانی خوب جامعه مدنی را قادر می‌سازد به صورت فعال در سیاست‌گذاری‌ها دخالت داشته باشد و در تصمیم‌گیری، منافع اجتماعی را به صورت گسترده نمایندگی کند. بدین ترتیب قوانین و سیاست‌هایی اتخاذ می‌گردد که بر پایه آن به تنوع فرهنگی احترام گذاشته می‌شود، اختلافات اجتماعی و تنش‌ها کاهش پیدا کرده و چالش‌های نابرابری و فقر، کمتر خودنمایی می‌کند (Of the UNITED NATIONS high Commissioner for Human Rights, ۲۰۰۷: ۹).

۲-۱ حکمرانی خوب و توسعه

مباحث مربوط به توسعه از دهه ۱۹۶۰ وارد مناسبات بین‌المللی شده و از دغدغه‌های اصلی کشورهای درحال توسعه محسوب می‌گردد. باوجود گذشت چندین دهه از آغاز مبحث توسعه و توسعه‌یافتگی در میان کشورهای به‌اصطلاح توسعه‌نیافته، شکاف عمیقی که بین آن‌ها و کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد، شکست سیاست‌های توسعه در اکثر این کشورها را نشان می‌دهد. (حبیب زاده- سیفی، ۱۳۹۲: ۱۲). در مسیر متحول اندیشه توسعه که با فرازوفرودهای

_____ رابطه توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی ۵

فراوانی همراه بوده، نظریه حکمرانی خوب به عنوان بنیان توسعه مطرح گردیده است. در این رابطه، نهادهای مالی بین‌المللی از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول معتقدند که حکمرانی خوب برای کمک به تحقق برنامه‌های توسعه یک ضرورت مهم و حیاتی تلقی می‌گردد.

طبق نظریه حکمرانی خوب، ارتباط نزدیکی بین ارکان اصلی دولت، جامعه مدنی و بازار برقرار می‌شود (رزمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۲). بر این اساس، دولت و بازار نه تنها رقیب هم نیستند بلکه مکمل یکدیگر نیز می‌باشند. دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، بایستی علاوه بر آنکه نهادهایی کارآمد در جامعه ایجاد کند، محیطی مناسب نیز برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه که «کم‌هزینه، ساده و به‌دوراز اتلاف وقت» باشد مهیا سازد. چون نقش دولت و دخالت آن در اقتصاد، از عوامل اثرگذار در رشد و توسعه اقتصادی است، پس کمک دولت به بازار امکان رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۵-۱۸۴). از طرف دیگر، ارتباط میان حکمرانی خوب و توسعه را می‌توان از منظرهای گوناگون بررسی کرد؛ از جمله آن منظرها، حکومت دموکراتیک است. مطابق با حکومت دموکراتیک که بر «مشروعیت، مسئولیت‌پذیری و حقوق بشر» دلالت دارد، اصول بنیادین توسعه شکل گرفته و توسعه مشارکتی ارتقاء می‌یابد. در این مورد سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) بیان می‌دارد که «سرمایه‌گذاری در حکمرانی دموکراتیک به پیشرفت در اهداف توسعه» کمک می‌نماید.

بر اساس نظریه حکمرانی خوب، دسترسی به «نیروی کار و سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی و مالی» به تنهایی نمی‌تواند عامل توسعه باشد؛ بلکه میان توسعه اقتصادی و کیفیت حکمرانی، همبستگی و رابطه‌ای نزدیک وجود دارد (رزمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۲). اهمیت این موضوع به حدی است که بانک جهانی کشورها را از لحاظ شاخص حکمرانی خوب به سه دسته رتبه‌بندی نموده است. «کشورهایی که درصد رتبه شاخص حکمرانی خوب آن‌ها بین صفر تا بیست‌وپنج است کشورهایی با کیفیت نهادی پایین، کشورهایی که درصد رتبه شاخص حکمرانی خوب آن‌ها بین بیست‌وپنج تا هفتادوپنج است، کشورهایی با کیفیت نهادی متوسط و کشورهایی که درصد رتبه شاخص حکمرانی خوب آن‌ها بین هفتادوپنج تا صد است، کشورهایی با کیفیت نهادی بالا هستند» (رزمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

۲-۲ حکمرانی خوب و رشد اقتصادی

رشد و توسعه اقتصادی از مهمترین اهداف اقتصاد کلان کشورها محسوب می‌شود. برای افزایش سطح زندگی افراد یک جامعه، رشد و توسعه اقتصادی ضرورتی انکارناپذیر است (رزمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۹). البته رشد اقتصادی مسئله‌ای ساده‌ای نیست و در اکثر نقاط جهان، پیچیدگی زیادی را به دنبال داشته است. عده‌ای از کشورها با وجود داشتن شرایط یکسان در «تملك سرمایه‌های فیزیکی و انسانی»، رشد اقتصادی متفاوتی را به نمایش گذاشته‌اند؛ به طوری که فاصله زیادی بین آن‌ها در زمینه رشد و توسعه اقتصادی ملاحظه می‌شود. در مورد علل پدیدار شدن این فاصله‌ها، باید توجه داشت که عواملی غیر از نهادهای اولیه رشد (سرمایه و نیروی کار) در جامعه وجود دارند که در پیشرفت آن مؤثرند. ویژگی‌های نهادی و سیاسی حاکم بر جامعه از جمله آن عوامل به حساب می‌آیند (عسگری - مرد علی، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۰). در سال‌های اخیر برای تبیین شکاف‌های ایجادشده، توجه به نقش نهادها بیشتر شده است. پیش از برجسته شدن نقش نهادها، امکان تبیین تفاوتی که میان کشورها (به خصوص کشورهای دارای منابع طبیعی) در زمینه رشد و توسعه اقتصادی به وجود آمده بود، وجود نداشت. توجه به ویژگی‌های نهادی و سیاسی منجر به اولویت یافتن بررسی‌های مربوط به کیفیت نهادی شد. با این نگرش، اقتصاد همواره مابین الگوهای کیفیت نهادی بالا و کیفیت نهادی پایین در نوسان بوده است. طبق الگوی اول، فعالیت‌های اقتصادی به گونه‌ای کامل در بخش تولیدی صورت می‌پذیرد و فراوانی منابع طبیعی هم به عنوان نعمت قلمداد می‌گردد؛ اما در کیفیت نهادی پایین چون همه تولیدکنندگان به دنبال فعالیت‌های رانت‌جویانه هستند، فراوانی منابع طبیعی هم به صورت مصیبت و نعمت بر دوش جامعه سنگینی می‌کند (غیاث‌وند - صبوری، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۱۹). با کنار گذاشتن نقش منابع طبیعی در رشد اقتصادی، تجارت بین‌الملل به‌عنوان یکی از راهکارهای رسیدن به رشد اقتصادی مطرح می‌شود که در آن نیز نقش و کیفیت حکمرانی برجسته است. بدین صورت که در کشورهایی که از نظر نهادی کیفیت ضعیف و یا متوسط دارند و شاخص‌های حکمرانی در آن‌ها در سطوح ضعیف یا متوسط است، تجارت بین‌الملل تأثیر آنچنانی در بهبود وضعیت اقتصادی نمی‌تواند داشته باشد. (رزمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۶-۱۳۹). بر این اساس، ارتباط مثبت و مستقیم حکمرانی خوب با رشد اقتصادی غیرقابل انکار است.

۲-۳ حکمرانی خوب و نسبت آن با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

اصولاً کشورها به دلیل منافع‌ی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) می‌تواند برای آن‌ها در پی داشته باشد، به دنبال جذب آن هستند (رضایی، ۱۳۸۶: ۸۶). ایجاد شغل، دسترسی به بازارهای خارجی و مالی و دسترسی به فناوری‌های مدرن جهانی از جمله آن منافع است (مهدوی عادل و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۰-۸۹). کشورهایی که توانایی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را دارند، در واقع علاوه بر مزایای فوق، مزایای دیگری را نیز برای خود به همراه می‌آورند. از جمله می‌توان به مواردی چون «بهره‌گیری از مقیاس تولید، گردش بیشتر منابع مالی در نظام مالی کشور»، افزایش یافتن کیفیت خدمات و کالاها به دلیل افزایش رقابت و «افزایش قدرت چانه‌زنی و قدرت سیاسی» به سبب گسترش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری با کشورهای دیگر اشاره کرد (هاتف-کرباسی، ۱۳۹۲: ۲۵). با این حال تنها عده‌ای از کشورها در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موفق عمل کرده‌اند که از جمله آن می‌توان به مالزی و سنگاپور اشاره کرد اما عده‌ای دیگر سهم چندانی در این فرآیند نداشته‌اند.

اقتصاددانان در تبیین علل ناتوانایی بعضی کشورها در جذب FDI به عواملی چون اندازه بازار، نرخ تورم، نرخ دستمزد، نرخ ارز و غیره اشارت دارند. در این بین، نقش دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز مغفول مانده است؛ چرا که دولت در کارکرد مناسب بازارها نقشی اساسی داشته و شرایط مناسب را برای سرمایه‌گذاری و تخصیص پایدار سرمایه فراهم می‌کند. بر این اساس، عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو گونه است: ۱- عواملی که بر میزان سودآوری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر دارند که اقتصاددانان آن را بیان نموده‌اند ۲- عواملی که بر امنیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مؤثر هستند که به طور مستقیم انگشت اشاره را به روی دولت می‌گذارد.

به اعتقاد لوکاس^۱ برخی روابط غیراقتصادی که به نقش دولت مربوط است، در عدم سرازیری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دخیل هستند که از جمله آن می‌توان به «مخاطرات سیاسی، روابط استعماری، قوانین و مقررات بی‌ثبات و غیرقابل اعتماد، رشوه و فساد اداری» اشاره کرد (مهدوی عادل و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۵). با این برداشت، با وجودی که کشورها برای جذب

۱. Foreign Direct Investment

۲. Lucas

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روش‌های مختلفی را اتخاذ می‌کنند اما آن‌ها باید توجه داشته باشند که از مهمترین مقولات در استراتژی جذب FDI، به حداقل رساندن و کاهش مخاطرات کشوری است. مخاطرات به روش‌های مختلف می‌تواند وجود داشته باشد اما از برجسته‌ترین آن برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، «مخاطرات سیاسی کشور میزبان» است. مخاطرات سیاسی هم ارتباط نزدیکی با شاخص حکمرانی خوب دارد؛ در صورتی که حاکمیت یک کشور شاخص‌های حکمرانی خوب را به همراه داشته باشد، مخاطرات سیاسی پایین خواهد بود که در این حالت امکان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر می‌شود (رضایی، ۱۳۸۶: ۸۶).

۲-۴ حکمرانی خوب و رابطه آن با منابع طبیعی

منابع طبیعی که از مهمترین منابع ثروت ملی در جهان به حساب می‌آید، در طی دهه‌های گذشته به سبب نقش متفاوتی که در اقتصاد کشورهای دارنده آن داشته، مباحث گسترده و چالش‌برانگیزی را از سوی محققان علوم انسانی به خود اختصاص داده است. در ابتدا تصور می‌شد که وفور منابع طبیعی و درآمدهای حاصل از آن، ثروتی را برای دارنده آن به ارمغان می‌آورد که به کاهش فقر و پیشرفت اقتصادی منجر می‌شود. با این حال، آنچه در عمل به وقوع پیوسته چنین تصویری را نشان نمی‌دهد و حتی کشورهای برخوردار از منابع طبیعی فراوان نسبت به سایر کشورها، پیشرفت اقتصادی و کاهش فقر کمتری را تجربه کرده‌اند. البته کشورهای سرشار از منابع طبیعی عملکردهای متفاوتی را در زمینه توسعه داشته‌اند. عده‌ای از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا و نروژ از ثروت ناشی از منابع طبیعی استفاده بهتری کرده و در تبدیل آن به رشد و توسعه اقتصادی موفق بوده‌اند؛ در حالی که سایر کشورهای غنی از منابع طبیعی همچون نیجریه و یا ایران در این باره موفقیت چندانی نداشته‌اند (معینی‌فر - مهر آرا، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۰). عدم موفقیت دسته دوم در استفاده بهینه از منابع طبیعی منجر به کاربرد اصطلاحی شده که به نفرین منابع معروف است. بدین معنی که عده‌ای از کشورهای غنی از منابع طبیعی نسبت به سایر کشورها، رشد اقتصادی کمتری را تجربه کرده و عملکرد بدتری داشته‌اند (غیاث و نند - صبوری، ۱۳۹۰: ۱۱۶). بدون تردید در کشورهایی که درآمدهای دولت و تولید ناخالص داخلی به وسیله درآمدهای منابع طبیعی از جمله نفت تأمین می‌شود، ثروت حاصل از آن به عنوان «متغیری اساسی در تحلیل شرایط سیاست» محسوب می‌گردد و در نتیجه نقش مهمی در حکمرانی ایفا می‌کند.

دلارهای منبع طبیعی‌ای چون نفت به دلیل بی‌نیازسازی دولت از لحاظ مالی به ملت و جامعه، اثرات سوئی بر کیفیت حکمرانی در اکثر کشورهای تولیدکننده آن داشته است که از مهمترین آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- نقشی مهم در سرشت غیردموکراتیک کشورهای دارنده‌ی آن دارد؛ ۲- در ایجاد زمینه برای فساد و سوء مدیریت بودجه مؤثر است؛ (زنوزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۰-۸۸). با این وصف، درآمدهای مستقیم دولت از منابع طبیعی زمینه را برای تخریب نهادها و عدم اجرای حکمرانی خوب مهیا می‌کند. این درآمدها برای کیفیت نهادها و حکمرانی می‌تواند سه گونه پیامد داشته باشد: ۱- عدم وابستگی دولت به درآمدهای مالیاتی، ممکن است به عدم توسعه سیاسی مطلوب منجر شود؛ ۲- درآمدهای فراوان منابع طبیعی به «دولت اجازه می‌دهد مخالفت‌های مردمی را مثلاً از طریق مخارج عمومی کاهش دهد» که به پاسخگویی و کارایی دولت لطمه می‌زند. ۳- دست دولت را برای جلوگیری از تشکیل و فعالیت گروه‌های ذینفع اجتماعی یا خاص باز می‌گذارد (معینی فر- مهر آرا، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۳). با وجود معایبی که در خصوص وفور منابع طبیعی برشمردیم اما این منابع همیشه منجر به عدم توسعه نمی‌شوند. همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم کشورهایی بوده‌اند که با استفاده بهینه از منابع طبیعی، وضعیت توسعه‌ای خود را بهبود بخشیده‌اند. چنین برمی‌آید که تبدیل منابع طبیعی به نعمت از پل حکمرانی خوب می‌گذرد.

۳- شاخص‌های حکمرانی خوب و سنجش آن در جمهوری اسلامی

همان‌طور که قبلاً گفته شد بانک جهانی از سال ۲۰۰۲ به بعد به صورت سالانه شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب را به تفکیک کشورها، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ما با توجه به آمارهای ارائه‌شده از سوی بانک جهانی، شاخص‌های حکمرانی خوب در مورد ایران را در جدول ذیل که به ترتیب سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ را در برمی‌گیرد، بررسی نموده‌ایم. در این جدول شاخص‌ها بر اساس نمره صفر تا ۱۰۰ محاسبه‌شده که در آن صفر به منزله بدترین وضعیت و صد نشان‌دهنده بهترین وضعیت است.

| شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران براساس رتبه درصدی (صفر تا ۱۰۰) | | | | | | سال‌های مورد بررسی |
|--|--------------|-----------------------|--------------|------------|-------------------------|-----------------------|
| کنترل فساد | اثربخشی دولت | کیفیت قوانین و مقررات | حاکمیت قانون | ثبات سیاسی | حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی | |
| ۵۰ | ۳۴ | ۸ | ۲۷ | ۲۳ | ۱۷ | ۲۰۰۲ |
| ۲۸ | ۳۵ | ۶ | ۱۹ | ۱۷ | ۸ | ۲۰۰۶ |
| ۲۰ | ۴۱ | ۶ | ۱۷ | ۸ | ۷ | ۲۰۱۱ |
| ۲۶ | ۴۶ | ۹ | ۲۶ | ۲۰ | ۱۱ | ۲۰۱۶ |

منبع: World Wide Governance Indicators

(ترسیم و طراحی جدول از پژوهشگر)

۳-۱ حق اظهارنظر و پاسخگویی

پاسخگویی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم و اساسی حکمرانی خوب، علاوه بر نهادهای دولتی، بر بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی نیز تأکید دارد. طبق این شاخص، بخش‌های فوق همگی باید در مقابل عامه مردم و اعضای خود پاسخگو باشند (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱). حق اظهارنظر و پاسخگویی فقط به مشارکت مردم در انتخاب رئیس‌جمهور و نماینده پارلمان نیست (عسگری آزاد- مرد علی، ۱۳۸۹: ۶۵) بلکه به غیر از آن، «میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکل‌ها و اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی» (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱) را نیز شامل می‌شود. با چنین افقی، تأکید بیشتر حق اظهارنظر و پاسخگویی بر آن است که امکان انتقال نظرات تمامی ذینفعان به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران در همه زمینه‌های سیاست‌گذاری فراهم گردد. در واقع این اصل از حکمرانی خوب، تأکید دارد که نباید گروه‌های اصلی جامعه در تصمیم‌گیری‌ها نادیده گرفته شوند و گرنه تصمیمات گرفته‌شده از اعتبار کافی برخوردار نخواهد بود و در نتیجه آن، «پیوستگی مردم و حکومت» از بین می‌رود؛ بنابراین حق اظهارنظر و پاسخگویی «توجه به سیاست‌های جامعه نگر» را یک ضرورت می‌داند (عسگری آزاد- مرد علی، ۱۳۸۹: ۶۵).

سنجش حق اظهارنظر و پاسخگویی در مورد یک کشور، نیاز به نشان‌گرهایی دارد که این شاخص از حکمرانی خوب بر آن استوار است. از جمله نشان‌گرهای حق اظهارنظر و پاسخگویی

رابطه توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی ۵

می‌توان به «تغییر منظم دولت‌ها، نظام حقوقی شفاف و عادلانه، توزیع برابر فرصت‌ها و میزان اطلاعات صاحبان کسب‌وکار» اشاره کرد. اگر بخواهیم نشان‌گرهای حق اظهارنظر و پاسخگویی را در مورد ایران بسنجیم، وضعیت مناسبی در مورد ایران ملاحظه نمی‌شود؛ بدین‌صورت که علیرغم تلاش‌هایی که در جهت تغییرات منظم دولت‌ها صورت گرفته اما در عمل تغییرات به صورت منظم و مطابق با نیازمندی‌های جامعه نبوده است. در نشانگر نظام حقوقی شفاف و عادلانه، وضعیت به مراتب بدتر جلوه می‌کند. «سانسورهای مرتب اخبار روزنامه‌هایی که سعی در برملا کردن عملکرد ناصواب ارگان‌ها رادارند، عدم پاسخگویی مسئولان به مشکلاتی که بیش از پیش گریبان‌گیر مردم شده است و دولت تنها با جلب کردن نظر مردم» به مسائلی به غیر از معضلات اصلی آن‌ها که به نوعی می‌توان آن را کتمان مشکلات دانست، عدم الزام هیچ مقامی برای رفع مسائل مردم، عدم الزام مسئولان برای تبیین عملکرد خود، پیشرفت مداوم سرمایه‌داران رانت‌خوار به ضرر عامه مردم و شکاف عمیق طبقات، همگی از سیستمی غیرشفاف و ناعادلانه حکایت دارد.

در رابطه با توزیع برابر فرصت‌ها، باید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را یک گام مهم و مؤثر دانست؛ به طوری که طبق آن، باید امکان تحصیل برابر، فرصت‌های شغلی برابر و غیره در اختیار همگان قرار گیرد. بر پایه قانون اساسی، سیستم‌های جامعی نیز برای دسترسی همگان به فرصت‌های برابر پدیداشده است. با این حال، وجود «اعمال نفوذها و امکانات بیشتر در دست ثروتمندان» هنوز هم در این زمینه مشکلاتی را ایجاد می‌کند. در زمینه میزان اطلاعات کسب‌وکار هم صاحبان مشاغل اطلاعات چندانی از قوانین به خصوص از نوع جدید آن ندارند. هر چند تلاش‌های دولت در این زمینه قابل تحسین است اما هنوز کافی نیست و تلاش‌های بیشتری در این زمینه لازم است (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۶-۷). آمارهای بانک جهانی هم مطالب فوق را تصدیق می‌کند. طبق بررسی‌هایی که بانک جهانی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ انجام داده، ایران به طور کلی در شاخص‌های حکمرانی خوب، رتبه ۱۲۰ الی ۱۳۰ را در میان ۱۷۸ کشور به دست آورده است.

بررسی‌های بانک جهانی، بدتر شدن وضعیت حکمرانی ایران در سال ۲۰۰۶ نسبت به سال ۲۰۰۲ را نشان می‌دهد. در این دوره، ایران از نظر حق اظهارنظر و پاسخگویی، رتبه ۱۶ را در بین ۲۰ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا کسب کرده است (فرارو: ۱۳۸۷). همچنین، در مطالعه‌ای که کافمن در بانک جهانی در سال ۲۰۰۷ انجام داده، ایران در شاخص حق اظهارنظر و

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —
پاسخگویی در بین ۲۰۹ کشور، رتبه ۱۹۲ را کسب کرده و در سطح منطقه، تنها از ۴ کشور منطقه بهتر بوده و از بین ۲۵ کشور، رتبه ۲۱ را به خود اختصاص داده است (عسگری آزاد - مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۳). این وضعیت با توجه به نمره صفر تا صدی که در جدول فوق مورد ملاک قرار گرفت، بدین صورت است که نمره ایران در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، به ترتیب ۱۷ و ۸ بوده که نشان‌دهنده بدتر شدن وضعیت این شاخص است. نمره شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی ایران در سال ۲۰۱۱ (نمره ۷) نیز نسبت به ۲۰۰۶ وضعیت بدتری را نشان می‌دهد. هر چند در سال ۲۰۱۶ وضعیت ایران در این شاخص با نمره ۱۱ بهبودی نسبی داشته اما با توجه به نمره ۱۷ ایران در سال ۲۰۰۲، هنوز نسبت به ابتدای هزاره سوم در وضعیت بدتری قرار داریم.

۳-۲ ثبات سیاسی

ثبات سیاسی به معنای آن است که حکومت و نظام سیاسی به دور از ابزارهای خشونت‌آمیز برای بی‌ثباتی و یا راه‌های غیرقانونی برای براندازی باشد (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). ثبات و آرامش سیاسی بیش از هر چیز دیگری در نیازمندی‌های نظام سیاسی، خودنمایی می‌کند؛ به طوری که حکومت با دور بودن از تهدید، می‌تواند با اقتدار کامل برای رسیدن به اهداف خود تلاش کند (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۷). از جمله آن اهداف، رشد اقتصادی است که در یک محیط سیاسی پایدار و امن، با ثبات بیشتری همراه بوده و رونق می‌گیرد (عسگری آزاد - مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۱). هر چه معیار ثبات سیاسی در یک کشور کمتر جلوه کند، نشان‌دهنده آن است که حکمرانی ضعیفی بر آن جامعه حاکم است (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳). با این اوصاف ثبات سیاسی یکی از ویژگی‌هایی است که با وجود آن، می‌توان ادعای حکمرانی خوب را داشت. البته ثبات سیاسی با نشان‌گرهایی همراه بوده که میزان و سطح آن را در جامعه نشان می‌دهد.

درگیری‌های اجتماعی و اعتصاب‌ها، قطبی شدن طیف‌های سیاسی، تنش‌های قومی، کودتا و براندازی (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۷)، تروریسم و خشونت‌های سیاسی از نشان‌گرهای ثبات سیاسی است. هر چه در جامعه‌ای نشانگرهای فوق بیشتر باشد، فرهنگ بی‌ثباتی سیاسی حاکم بر نظام سیاسی آن جامعه را نشان می‌دهد. البته علاوه بر موارد فوق، در شاخص ثبات سیاسی موارد دیگری نیز مدنظر است که از جمله آن می‌توان به «کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی»، کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های

رابطه توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی

عمومی و دولتی و میزان تعهد دولت در مقابل این سیاست‌ها اشاره کرد. در صورتی که کیفیت خدمات عمومی و شهروندی وضعیت بهتری را نشان دهد و «خط‌مشی‌های عمومی به دوراز جنجال‌ها و خط‌وربط‌های سیاسی، وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آن‌ها بیشتر باشد» کفه ترازوی وضعیت حکمرانی به سمت خوب بودن سنگینی می‌کند.

در مقابل، چنانچه «خشونت، افراط، بی‌اعتمادی و احساس عدم امنیت» در جامعه‌ای حاکم شود، نشان‌دهنده حکم‌فرمایی بی‌ثباتی سیاسی در آن جامعه است. با این اوصاف، ثبات سیاسی در ایران وضعیت خوبی را نشان نمی‌دهد. در این مورد، ماروین زونیس با بررسی فرهنگ سیاسی نخبگان، «بدبینی‌های سیاسی، بی‌اعتمادی‌های شخصی، احساس عدم امنیت» و سوءاستفاده میان افراد را از نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی نخبگان ایرانی بیان می‌کند. به علاوه، «فقدان تساهل و مدارای سیاسی در بین گروه‌ها و نیروهای سیاسی و اجتماعی» در طول تاریخ در جامعه ایرانی وجود داشته است. همین وضعیت به انباشته شدن مطالبات سیاسی مردم منجر شده و دولت‌های حاکم پاسخی جز «سرکوب و خاموش کردن صدای مخالفان» نداشته‌اند؛ طوری که مردم همیشه در پی فرصت بوده‌اند تا به حکام خود واکنش نشان دهند (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳-۱۲).

آمارهای ارائه‌شده در مورد ثبات سیاسی نیز وضعیت نابسامان ایران در این شاخص را نشان می‌دهد. طبق آمار ۲۰۰۶، ایران در بین ۲۰ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا، رتبه ۱۶ را به دست آورده است و تنها کشورهای یمن، لبنان، کرانه باختری (غزه) و عراق از لحاظ ثبات سیاسی وضعیت بدتری نسبت به ایران داشته‌اند (فرارو: ۱۳۸۷). در سال ۲۰۰۷ نیز در یک مقایسه بین کشوری که کافمن انجام داده، ایران از لحاظ ثبات سیاسی در بین ۲۰۹ کشور جهان، در جایگاه ۱۸۶ جای گرفته است. در همین مقایسه، وضعیت ایران در بین ۲۵ کشور منطقه تنها از ۵ کشور بهتر بوده و جایگاه ۲۰ در شاخص ثبات سیاسی به ایران تعلق می‌گیرد (عسگری آزاد - مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۳). اگر بخواهیم این آمارها را بر پایه نمره ارائه‌نماییم نمره ایران در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۲۳، ۱۷، ۸، ۲۰ بوده است. این وضعیت نشان می‌دهد که شاخص ثبات سیاسی ایران در سال ۲۰۱۱ در بدترین حالت خود قرار داشته و با این که در سال ۲۰۱۶ با نمره ۲۰ از آن بحران خارج شده اما نسبت به ۲۰۰۲ هنوز در وضعیت نامناسبی قرار دارد.

۳-۳- حاکمیت قانون

حاکمیت قانون از جمله اندیشه‌های حاکم در حقوق اساسی است که قریب به اتفاق اندیشمندان علوم سیاسی و حقوق بر اصل وجود آن اذعان دارند. این مقوله طی قرون مدرن یکی از موضوعات اساسی بوده، به طوری که از مباحث اصلی کسانی چون جان لاک، توماس هابز و منتسکیو قرار گرفته است. شاید در تعریف حاکمیت قانون، از الفاظ به گونه‌های متفاوتی استفاده شده باشد اما در کل، «تبعیت تمامی آحاد جامعه» به خصوص مسئولان و زمامداران از قوانین را حاکمیت قانون می‌گویند (راعی - عطریان، ۱۳۹۱: ۱۲۵-۱۲۴). تعریف سازمان ملل از حاکمیت قانون نیز مبتنی بر این موضوع بوده و در آن بر اطاعت و پاسخگویی کلیه افراد، نهادهای خصوصی و نهادهای دولتی از قوانین تأکید شده است.

بانک جهانی در تعریف حاکمیت قانون، به ایجاد محدودیت در قدرت دولت و حفاظت از شهروندان در برابر «سوءاستفاده یا استفاده خودسرانه دولت» از قدرت خود تأکید می‌کند. بر این اساس، حاکمیت قانون فقط به قوانین و مقررات وضع شده مربوط نیست بلکه تضمینی برای «آزادی، حقوق بشر و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون» نیز به حساب می‌آید (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴). بر این اساس، حاکمیت قانون علاوه بر اینکه از اصول اساسی دموکراسی در یک کشور محسوب می‌شود، از مؤلفه‌های حکمرانی خوب نیز به شمار می‌آید (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۳). بدین صورت که «برقراری حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی عادلانه و منصفی است که از بی‌طرفانه بودن برخوردار باشد» (عسگری آزاد- مرد علی، ۱۳۸۹: ۶۷). تحقق چنین وضعیتی به نظام قضایی مستقل و قابل اعتماد و نیروهای امنیتی کارا برای ایجاد امنیت بستگی دارد تا با همکاری هم بتوانند بر تخلف، جرم و فساد فائق آیند. این در صورتی است که با وجود استقلال نظام قضایی به‌عنوان یکی از قوای سه‌گانه، به این قوه اعتماد چندانی وجود ندارد. رسیدگی طولانی مدت و بعضاً تصمیم‌گیری ناصحیح و اتخاذ مصلحت نسبت به پرونده‌های سران حکومتی در صدور و یا در اجرا از جمله علل بی‌اعتمادی به نظام قضایی است. در خصوص کارایی نیروهای امنیتی، با وجود تلاش‌های صورت گرفته در راستای کارآمدسازی آن، حس ناخوشایند ناامنی به خصوص در رابطه با اقدامات یگان‌های پلیسی در افراد وجود دارد. این مسئله از وقوع بالای جرائم در جامعه که به صورت مرتب در روزنامه‌ها درج می‌شود، ناشی می‌گردد (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۴-۷). عملکرد نظام قضایی و نیروهای امنیتی در کنار نبود قوانین منسجم در مبارزه با فساد موجب شده تا فساد سیستمی در جامعه

ایران شکل بگیرد و مانند موریانه در سطوح مختلف رخنه کند (برترین‌ها: ۱۳۹۶). به هر حال، مجموعه عوامل فوق منجر به این گردیده که شاخص حاکمیت قانون در ایران با توجه به پتانسیل‌هایی که جامعه ایرانی دارد، وضعیت خوبی نداشته باشد. بدین صورت که طبق بررسی‌های بانک جهانی در سال ۲۰۰۶، شاخص حاکمیت قانون در ایران در بین ۲۰ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا، رتبه ۱۸ را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده وضعیتی نامناسب است (فرارو: ۱۳۸۷). در سال ۲۰۰۷ نیز با توجه به مطالعه‌ای که کافمن انجام داده، در بین ۲۱۱ کشور مورد بررسی جهان، رتبه ایران در شاخص حاکمیت قانون بهتر از ۱۵۹ نشده و در منطقه نیز از ۲۵ کشوری که مورد مطالعه قرار گرفته، ایران در رتبه ۱۶ جای گرفته است (عسگری آزاد- مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۷-۷۳). اگر بخواهیم این آمارها را بر پایه نمره ارائه نماییم نمره ایران در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۲۷، ۱۹، ۱۷، ۲۶ بوده است. شاخص حاکمیت قانون ایران در سال ۲۰۱۱ در بدترین حالت خود قرار داشته و با این‌که در سال ۲۰۱۶ با نمره ۲۶ وضعیت رو به بهبودی را نشان می‌دهد اما نسبت به ۲۰۰۲ هنوز در وضعیت نامناسبی قرار دارد.

۳- ۴ کیفیت قوانین و مقررات

در شاخص کیفیت قوانین و مقررات به مباحثی چون دخالت دولت در اقتصاد، کنترل قیمت‌ها و دستمزدها، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و محدودیت‌های دولتی برای ایجاد بنگاه‌ها توجه می‌شود (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۷). با این نوع نگاه، یکی از ابزارهای اصلی دولت برای دخالت در اقتصاد، قانون است. دولت با مقرراتی که وضع می‌کند، می‌تواند نهادهای جدیدی را تعریف، تأسیس و مستقر نماید. علاوه بر آن، دولت این توان را دارد که با تصویب قوانین مناسب در بسترسازی لازم بر کارکرد بهینه دیگر نهادها و هم‌چنین کارکرد بازار در اقتصاد، نقش قابل توجهی داشته باشد. قانونگذاری دولت زمانی مثمر ثمر خواهد بود که ویژگی‌های شفاف‌سازی، برابرسازی فرصت‌ها و به هنگام‌سازی نظام حقوقی را به همراه داشته باشد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۷-۱۹۵). علاوه بر آن، دخالت یا عدم دخالت دولت در تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و بانکداری، سازگار کردن قوانین جاری با سیستم‌های قانونی دیگر کشورها، سازگاری قوانین و مقررات مالیات با رشد اقتصادی، وجود قوانین ضد انحصار، پرداخت یا عدم پرداخت یارانه‌ها به صناعی که به طور غیرمنطقی فعالیت می‌کنند و مهمتر از آن،

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

دسترسی نهادهای مالی و بین‌المللی به بازارهای داخلی، دستیابی سرمایه‌گذاران داخلی به بازارهای سرمایه خارجی و در نهایت شفافیت قوانین بخش عمومی برای سرمایه‌گذاران خارجی از مهمترین مواردی است که شاخص کیفیت قوانین و مقررات را در یک کشور نشان می‌دهد. با توجه به موارد فوق، کافمن مطالعه‌ای را انجام داده که در آن، شاخص کیفیت قوانین و مقررات در ایران در وضعیت بسیار نامناسبی جای گرفته و ایران در بین ۲۵ کشور منطقه، رتبه ۲۳ را به دست آورده است. این مطالعه که در سال ۲۰۰۷ صورت گرفته (عسگری آزاد- مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۷-۷۱) در مقایسه با ۲۰۰۶ که در آن، در بین ۲۰ کشور مورد مطالعه خاورمیانه و شمال آفریقا، رتبه آخر به ایران اختصاص یافته، تفاوت چندانی را نشان نمی‌دهد (فرارو: ۱۳۸۷). اگر بخواهیم این آمارها را بر پایه نمره ارائه نماییم نمره ایران در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۸، ۶، ۹ بوده است. این به معنای آن است که تنها معدود کشورهایی در این شاخص در طی سال‌های متمادی، وضعیتی بدتر از ایران داشته‌اند. همان‌طور که در جدول مربوطه هم مشاهده می‌شود بدترین وضعیت ایران در این شاخص بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ رقم خورده است.

۳- ۵ اثربخشی دولت

اثربخشی به طور عمده به کارایی مدیریت اشاره دارد و بر دوپایه استوار است: الف- ساختار اداری منطقی؛ ب- طراحی علمی رویه‌ها و فعالیت‌های انعطاف‌پذیر اداری؛ که رعایت این دو مورد می‌تواند هزینه فعالیت‌های غیر مرتبط یا ناکارآمد اداری را به حداقل ممکن کاهش دهد (Keping, ۲۰۱۸: ۶). این همان نکته‌ای است که نهادگرایان نیز بر آن تأکید دارند. در دیدگاه مطلوب نهادگرایان منظور از اثربخشی دولت، توانایی‌هایی است که دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح از خود بروز می‌دهد و این در درجه اول، دستگاه اداری کارآمد را می‌طلبد (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷). در واقع، اثربخشی دولت به معنای آن است که:

- ۱- نهادهای دولتی کارایی لازم را داشته باشند؛
- ۲- دولت در اجرای برنامه‌ها توانایی داشته باشد؛
- ۳- خدمات عمومی با کیفیت مناسبی ارائه گردد؛
- ۴- سیاست‌گذاری‌ها به نفع کسب‌وکار صورت پذیرد (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۷). در بین مؤلفه‌های فوق، نهادها نقشی برجسته در ارتقاء کارایی دولت ایفا می‌کنند.

نیاز دولت برای تدوین سیاست‌های مناسب و تکمیل آن‌ها بیش از همه، به کارایی نهادها

رابطه توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی

بازمی‌گردد؛ چرا که نهادها در عرصه خدمات عمومی نقشی مؤثر دارند. چنانچه شهروندان به این نتیجه برسند که ترجیحات آن‌ها در نهادهای دولتی ارائه شده و خدمات عمومی قابل قبولی را دریافت می‌کنند، رفتار خود را با دولت تنظیم کرده و به همکاری با آن متمایل خواهند شد. اگر نهادها از نظر کارایی، ضعیف عمل کنند بر گسترش فساد در جامعه دامن می‌زنند. در اقتصاد فاسد هم شهروندان اعتماد اندکی به نهادهای دولتی داشته و به دنبال فعالیت در اقتصاد سایه‌ای خواهند بود. میزان اندازه اقتصاد سایه‌ای با میزان اثربخشی و کارایی دولت رابطه معکوس دارد و در صورتی که دولت از کارایی لازم برخوردار نباشد، اقتصاد سایه‌ای گسترش یافته و به فرار مالیاتی منجر می‌شود (کریمی پتانلار و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۲-۷۱). فرار مالیاتی به اذعان کارشناسان مختلف به عنوان جرمی که در جامعه ایران عمومیت یافته (درآمدهای پایدار شهری) و یکی از دلایلی است که امکان تحقق حکمرانی خوب را با مشکل مواجه می‌کند.

از دیگر مؤلفه‌های عدم کارایی و اثربخشی دولت، روزمرگی و بی‌تفاوتی است. در روزمرگی به اثربخشی تصمیمات توجه نمی‌گردد و این به دلیل کم‌اهمیت تلقی کردن کارایی و کارآمدی سیستم توسط کارکنان ناشی می‌شود. این ویژگی در فرهنگ سیاسی ایران با مؤلفه پشت‌هم‌اندازی در بدنه اداری کشور به وفور مشاهده می‌گردد. مؤلفه دیگر عدم کارایی دولت، بی‌اعتمادی سیاسی است که به «بی‌تفاوتی سیاسی و فرار از مسئولیت و ناامیدی از امکان تغییرات مثبت» منجر می‌شود. این نیز در فرهنگ سیاسی ایران وجود دارد. بی‌اعتمادی سیاسی و سوءظن که معلول فرهنگ استبداد است منجر به نوعی ناهمدلی و تردید در نیات و اعمال متقابل حکومت و شهروندان شده است. وجود چنین فضایی موجب شده تا کارایی و اثربخشی تصمیمات تضعیف شود (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸-۱۷). با این‌که طبق آمارهای بانک جهانی، نمره ایران در این شاخص از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶ وضعیت رو به بهبودی داشته و از نمره ۳۴ به نمره ۴۶ رسیده اما در مقایسه با کشورهای منطقه، نمی‌تواند وضعیت قابل قبولی باشد. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۶ رتبه ایران در این شاخص در بین ۲۰ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا، ۱۴ بوده است (فرارو: ۱۳۸۷).

۳-۶ کنترل فساد

فساد در لغت به معنای تباهی، ستم، و ... بیان شده و تعاریف متعددی نیز از آن توسط اشخاص و نهادهای بین‌المللی ارائه گردیده است. با این حال، فراگیرترین تعریف در این باره را

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

که مورد توافق عمومی در جهان قرار گرفته، بانک جهانی انجام داده است. این بانک، سوءاستفاده از اختیارات دولتی برای کسب منافع شخصی را فساد توصیف می‌کند (افضلی، ۱۳۹۰: ۲۳۹-۲۳۸). فساد به دو صورت در جامعه نمود پیدا می‌کند: ۱- فساد مالی؛ این نوع فساد همیشه از بخش بالای جامعه شروع شده و به بخش‌های پایین‌تر سرایت می‌کند. بر همین اساس برای مقابله با فساد مالی باید سرمنشأ آن را شناسایی کرده و دست به نابودی آن زد (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۹). ۲- فساد اداری؛ این نوع فساد را به صورت کلی می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: الف- فساد اداری در درون دولت (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۰۹) که تئوبالد^۱ آن را «استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری برای نفع شخصی» (افضلی، ۱۳۹۰: ۲۳۹) توصیف می‌کند؛ مانند توزیع حقوق و مزایا و فرصت‌های شغلی مابین کارمندان، سوءاستفاده و اختلاس مالی و ... ب- فساد اداری در رابطه با شهروندان؛ در این نوع فساد، کارمندان دولت یک طرف و شهروندان هم در طرف دیگر فساد قرار می‌گیرند؛ مانند فساد مالیاتی، فساد استخدامی، فساد در صدور مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بخش خصوصی و ... هرچند فساد اداری معضل بزرگی است که اکثریت کشورها و حتی کشورهای صنعتی و پیشرفته هم با آن روبه‌رو هستند اما با توجه به وظایف و مسئولیت‌های گسترده‌ای که دولت‌های کشورهای در حال توسعه بر عهده دارند، این نوع فساد در این کشورها بیشتر نمود پیدا می‌کند (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۰۹-۱۰۴). در مقابل فساد، شفافیت قرار دارد.

افزایش شفافیت می‌تواند استفاده از روش‌های غیرقانونی از جمله فساد را در جامعه محدود نماید. «تنها با شفافیت می‌توان از فساد جلوگیری کرد» (عسگری - مرد علی، ۱۳۸۹: ۶۶). آزادی جریان اطلاعات و قابلیت دسترسی همگان نسبت به آن که امکان «آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات» را فراهم می‌کند، شفافیت نامیده می‌شود. در صورت وجود شفافیت، رسانه‌های گروهی این توانایی را خواهند داشت که سیاست‌های اتخاذ شده در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور را مورد نقد و بررسی قرار دهند که در این صورت، از ابهام در بیان و یا عدم صراحت در عمل اجتناب می‌شود. این در صورتی است که دوری از صراحت در فرهنگ سیاسی ایران به خصوص در بین نخبگان سیاسی آن ریشه دوانده است که تا حدود زیادی از عدم شفافیت نشأت می‌گیرد.

۱. Theobald

عدم شفافیت سیاست ایران را می‌توان در فعالیتهای چون سانسور کردن رسانه‌های منتقد، پاسخگو نبودن مسئولان دولتی نسبت به مشکلات مردم و ... که در قالب اقدامات دولت و ارتباط آن با شهروندان می‌گنجد، مشاهده کرد. نبود شفافیت در فرهنگ حاکم بر جامعه ایران یکی از دلایلی است که امکان تحقق حکمرانی خوب را با مشکل مواجه می‌کند (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶) و این چیزی است که آمارهای ارائه‌شده از سوی بانک جهانی هم طی سال‌های متمادی، آن را نشان می‌دهد. طبق بررسی‌های این بانک، در شاخص کنترل فساد که نقطه مقابل شفافیت قرار می‌گیرد، در سال ۲۰۰۶ ایران در بین ۲۰ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا، در رتبه ۱۶ قرار دارد (فرارو: ۱۳۸۷). وضعیت ایران در سال ۲۰۰۷ نیز در بین ۲۵ کشور منطقه به رتبه ۱۳ رسیده است؛ در همین سال طبق مطالعه کافمن، ایران در شاخص کنترل فساد در بین ۲۰۸ کشور جهان، رتبه ۱۳۱ را به خود اختصاص داده است (عسگری آزاد-مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۳). این آمارها مطابق با نمره‌ای که ایران در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ که به ترتیب نمره‌ی ۵۰، ۳۸، ۲۰، ۲۶ را به دست آورده، نشان می‌دهد که شاخص کنترل فساد ایران در سال ۲۰۱۱ در بدترین حالت خود قرار داشته و با اینکه در سال ۲۰۱۶ با نمره ۲۶ نسبت به ۲۰۱۱ رو به بهبود بوده اما در مقایسه با ۲۰۰۲ هنوز فاصله زیادی دارد.

نتیجه‌گیری

توسعه فرآیندی است که اندیشه خروج از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب از مباحث محوری آن به حساب می‌آید. هر چند این موضوع در طول تاریخ از مشغله‌های فکری نخبگان اکثر کشورها بوده اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید. در این کشورها، شرایط و زمینه‌های مختلفی از پایه‌های اساسی توسعه مدنظر بوده است؛ با این حال آنچه از برجستگی خاصی برخوردار بوده و قریب به اتفاق تحلیل‌گران بر آن صحنه می‌گذارند، کیفیت حکمرانی است. طبق حکمرانی خوب، ارتباط نزدیکی میان دولت، جامعه مدنی و بازار برقرار می‌گردد و از این طریق امکان رشد و توسعه را فراهم می‌آورد. صرف داشتن منابع مادی یا انسانی به تنهایی نمی‌تواند عامل توسعه‌یافتگی قلمداد گردد. چرا که عواملی غیر از سرمایه و منابع در پیشرفت جوامع تأثیرگذار بوده و از مهمترین آن، می‌توان به کیفیت نهادی و سیاسی جوامع اشاره کرد.

کیفیت حکمرانی امروزه چنان برجسته شده که توسعه در امور مختلف از جمله اقتصادی بر آن استوار است. در مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذاری خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و این در جوامعی رونق می‌گیرد که از کیفیت نهادی بالایی بهره می‌برند. البته نقش حکمرانی خوب در توسعه کشورها محدود به جذب سرمایه‌گذاری خارجی نبوده بلکه تأثیر آن در استفاده بهینه از منابع طبیعی در جهت رشد و توسعه کشورها نیز بسیار مهم است. البته در صورتی که از منابع طبیعی به طور اصولی و صحیح استفاده نشود، ثروت حاصل از آن به دلیل بی‌نیازسازی دولت از جامعه، تأثیرات سوئی بر کیفیت حکمرانی خواهد داشت؛ چرا که درآمدهای مستقیم دولت از منابع طبیعی، زمینه فسادآلودی را برای تخریب نهادها و عدم الزام دولت در اجرای شاخص‌های حکمرانی خوب ایجاد می‌کند.

با توجه به مطالب فوق، به طور خلاصه می‌توان چنین گفت که حکمرانی خوب ارتباط مستقیمی با توسعه کشورها دارد و این ارتباط چنان وثیق است که کشورها با وجود داشتن منابع طبیعی فراوان و همچنین نیروی انسانی کارآمد، بدون حکمرانی خوب نمی‌توانند در مسیر توسعه قرار گیرند. این مسئله در رابطه با ایران نیز مشاهده می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران علیرغم داشتن زمینه‌ها و منابع فراوان برای توسعه، همچنان از عدم توسعه رنج می‌برد. در توسعه‌نیافتگی ایران دلایل متعددی می‌تواند دخیل باشد و از مهمترین آن می‌توان به کیفیت حکمرانی اشاره کرد. طبق شاخص‌های حکمرانی خوب، وضعیت حکمرانی در ایران از

رابطه توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی ◊

کیفیت پایینی برخوردار است. همان‌طور که در بررسی مربوط به این بخش نشان داده شد، جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۱ روزبه‌روز از وضعیت حکمرانی خوب فاصله گرفته است. هر چند در سال‌های اخیر نسبت به سال ۲۰۱۱، شاخص‌ها از وضعیت بدتر به سمت وضعیت بد حرکت کرده اما در مقایسه با سال ۲۰۰۲ همچنان از وضعیت نامناسب رنج می‌برد؛ بنابراین کیفیت پایین حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران یکی از حلقه‌های مفقوده مهم و اصلی عدم توسعه کشور محسوب می‌شود. چنین برمی‌آید که اولین قدم برای قرار دادن کشور در ریل توسعه، عزم جدی برای انجام اصلاحات نهادی و سیاسی است که شاخص‌های حکمرانی خوب را در جامعه حاکم کند.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

منابع

- افضل‌ی، عبدالرحمن (۱۳۹۰)، «فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون‌رفت»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست‌وهشت، شماره ۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۲۶۴-۲۳۵.

- برترین‌ها (۱۳۹۶)، «بررسی سونامی فساد در اقتصاد ایران»، ۹ شهریور ۱۳۹۶، قابل‌جست‌وجو در:

<http://www.bartarinha.ir/fa/news/۵۹۱۵۵۳/>

- پوراحمدی، حسین؛ کریمی، ایوب (۱۳۸۶)، اقتصاد سیاسی جهانی، چاپ اول، تهران، نشر مهاجر.

- جاسبی، جواد؛ نفری، ندا (۱۳۸۸)، «طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۱۷-۸۵.

- جعفری، انوش؛ قنبری، حمیده (۱۳۹۶)، «مطالعه موانع توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، مجله پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۱، شهریور ۱۳۹۶، صص ۶۱-۴۷.

- حبیب‌زاده، توکل؛ سیفی، حافظه (۱۳۹۲)، «تأثیر حکمرانی خوب بر اجرایی شدن حق بر توسعه با تأکید بر بعد ملی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۲، صص ۳۸-۱۱.

- حشمت‌زاده، محمدباقر؛ حاجی‌یوسفی، امیرمحمد؛ طالبی، محمدعلی (۱۳۹۶)، «بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶، صص ۲۴-۱.

- دباغ، سروش؛ نفری، ندا (۱۳۸۸)، «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب»، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۸-۳.

- راعی، مسعود؛ عطریان، فرامرز (۱۳۹۱)، «حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، حکومت اسلامی، سال هفدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۴۶-۱۲۳.

- رزمی، سید محمدجواد؛ شهرکی، سارا؛ کلایی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب»، پژوهش‌نامه بازرگانی،

- رابطه توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی ۵
- شماره ۵۹، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۶۲-۱۳۷.
- رزمی، محمدجواد؛ صدیقی، سمیه؛ رضاییان، سمانه (۱۳۹۴)، «الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی»، پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، سال چهارم، شماره ۵۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۷۵-۵۱.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۶)، «تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۰۴-۸۵.
- رنایی، محسن (۱۳۹۲)، «موانع نرم توسعه در جمهوری اسلامی ایران؛ نگاهی به محصول سی سال سیاست ورزی در ایران»، دریچه، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۲-۱.
- زمانی، رضا (۱۳۹۶)، «سیکل‌های اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا اوایل دهه ۱۳۹۰»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وچهار، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۹۶، صص ۳۴-۵.
- زمانی، زهرا (۱۳۹۵)، «حکمرانی خوب شهری خوب»، نشریه علمی-خبری توازن، سال سوم، شماره ۳۲، شماره مسلسل ۸۹، ۶ آذر ۱۳۹۵.
- سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون؛ محسنی، فضیلت (۱۳۹۰)، «تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی، مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۰، صص ۲۲۳-۱۸۳.
- سبحانی، حسن؛ حداد زاده، داود؛ سیف، الله مراد، (۱۳۹۳)، «اقتصاد سیاسی و تأثیر آن بر حوزه امنیت داخلی با استفاده از روش‌شناسی کوهن-کیو (Q)»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۴۴-۱۰۳.
- شفیعی فر، محمد (۱۳۹۴)، «روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره چهل‌وپنج، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۲۳-۱۰۳.
- شیرزادی، رضا (۱۳۸۹)، «برنامه‌های توسعه در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره یازدهم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۴۵-۲۹.
- عسگری آزاد، محمود؛ مرد علی، محسن (۱۳۸۹)، «حکمرانی خوب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران»، همایش ملی حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، صص ۸۰-۵۹.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —
فرارو (۱۳۸۷)، «کاهش نمره ایران در حکمرانی خوب از ۱۶۴ به ۱۱۰»، ۱۶ مرداد ۱۳۸۷،
قابل جست‌وجو در:

<http://fararu.com/fa/news/۱۳۶۵۰/>

- قلی پور، رحمت‌الله (۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری»،
فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره دهم، پاییز ۱۳۸۴، صص ۱۲۷-۱۰۳.
- کریمی اصفهانی، خدیجه (۱۳۹۲)، «حکمرانی خوب در ایران، چالش‌ها و کارآمدی‌ها»،
مؤسسه حقوقی سپهر عدالت، ۱۳۹۲/۴/۱۱، قابل جست‌وجو در:

<http://neginedalat.blogfa.com/post/۲۵>

- کریمی پتانلار، سعید؛ گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی؛ صابری نو چمنی، فاضل (۱۳۹۴)،
«بررسی تأثیر اثربخشی دولت بر کاهش فرار مالیاتی در کشورهای منتخب»، پژوهشنامه مالیات،
شماره بیست‌وهفت (مسلسل ۷۵)، پاییز ۱۳۹۴، صص ۹۰-۶۳.
- کمالی، یحیی (۱۳۸۸)، «حکمرانی خوب چیست؟»، تدبیر، شماره ۲۶، تیر ۱۳۸۸، صص
۲۰-۲۲.

- محسنی زنوزی، سید جمال‌الدین؛ شهبازی، کیومرث؛ پر ناک، روناک (۱۳۹۳)، «مطالعه اثر
درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک»، سیاست‌گذاری
پیشرفت اقتصادی، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۱۶-۸۷.

- مسکو، وینسنت؛ لوین، دیوید (۱۳۸۶)، «نظریه اقتصاد سیاسی و پژوهش‌های ارتباطی»،
مجله جهانی رسانه- نسخه فارسی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۱۱۶-۷۱.

- مصلی نژاد (الف)، عباس (۱۳۹۵)، اقتصاد سیاسی ایران؛ دوران معاصر، چاپ اول، تهران،
انتشارات دانشگاه تهران.

- مصلی نژاد (ب)، عباس (۱۳۹۵)، دولت و توسعه اقتصادی در ایران، چاپ دوم، تهران، نشر
نی.

- معینی فر، مژگان؛ مهر آرا، محسن (۱۳۹۴)، «تأثیر وفور منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی
کشورهای درحال توسعه»، فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)، سال
سوم، شماره ۹، زمستان ۱۳۹۴، صص ۳۲-۹.

- مهدوی عادل، محمدحسین؛ حسین زاده بحرینی، محمدحسین؛ جوادی، افسانه (۱۳۸۷)،
«تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط»،

رابطه توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی

مجله دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۰۶-۸۸.
- هاتف، حکیمه؛ کرباسی، علیرضا (۱۳۹۲)، «اثر شاخص‌های حکومتی و سرمایه‌گذاری خارجی بر سرمایه‌گذاری خصوصی در کشورهای آسیایی»، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۵، نیمه اول ۱۳۹۲، صص ۴۷-۲۳.

- Adam, Christopher; Dercon, Stefan (۲۰۰۹). The Political Economy of Development: An Assessment. Centre for the Study of African Economies. University of Oxford.

- Keping, Y. (۲۰۱۸). Governance and Good Governance: A New Framework for Political Analysis. Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences, ۱۱(۱), ۱-۸.

- Of the UNITED NATIONS high Commissioner for Human Rights. (۲۰۰۷). Good Governance practices for the protection of Human Office Rights

- Tripathi, Rahul (۲۰۱۷). "Good governance: origin, importance and development in India". International Journal of Development Research, ۷, (۱۱), ۱۶۹۶۸-۱۶۹۷۰.

- Serrat, Olivier (۲۰۱۱). Political Economy Analysis for Development Effectiveness. Cornell University ILR School. International Publications.